



« کتابخانه مکانی است که از رازهای پنهان نگهداری می کند، حفاظت از اسرار منجر به گم شدن اسرار می گردد. »  
راز مانند خود نابغه برخوردار از قدرت است، راز عبارت از (چه کسی) است که تبدیل به (چه چیزی) می شود.

## پیدایش ها، نسبت نامه ها، تألیفات پیدایش ها، دودمان ها، انواع

گردهمایی حول آثار هلن سیکسو Hlne Cixous در کتابخانه ملی فرانسه

روزهای پنجشنبه ۲۲، جمعه ۲۳ و شنبه ۲۴ ماه مه ۲۰۰۳.

۰۴ ب. ضیایی

با عوض کردن دومین مترو به ایستگاه مدرن Bercy رسیدم. بعد از چند لحظه ماشین غول پیکر (قطار اتوماتیک بدون راننده) از راه رسید و ایستاد. با باز شدن درهای ورودی به درون رفتم و سوار شدم، قطار فاصله دو ایستگاه تا کتابخانه ملی فرانسه (فرانسوا میتران) را به سرعت طی کرد و به مقصد رسید. بعد از بالا آمدن از اعماق ایستگاه، پله های سنگی و قدیمی ایستگاه را پیمود و به محوطه خیابان مشرف به کتابخانه رسیدم. عده ای با عجله به طرف کتابخانه که در روبه رو خودنمایی می کرد رهسپار بودند. برج های عظیم و پوک و بی قواره ی چهارگانه ای چون

ارکان اریبه در چهار طرف محوطه وسیعی که کتابخانه‌ها جای دارد خودنمایی می‌کردند، فراخی فضاها، حس غریبی از بیگانگی و عدم تجانس شیشه و فلز، با تن و پوست و استخوان، انسانی را موجب می‌شد، آدم‌ها از راهروی متحرک فلزی به درون ساختمان عظیم سرازیر بودند. کتابخانه در حفره بزرگی پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد که باغی مصنوعی محوطه‌ی میانی آن را می‌پوشاند. منظوم درختان کهنسال و بلندی است که از جنگل‌های فرانسه به آن جا آورده و کاشته شده‌اند و چون در این خاک متولد نشده‌اند، هنوز به قدر کافی ریشه ندوانده‌اند، هر باد هرزه‌ای، حتی در آن ژرفا، آن‌ها را به این و یا آن طرف خم کرده است، ناچار همگی آن‌ها را با سیسم‌های فولادی به زمین دوخته و میخکوب کرده‌اند.

از راهرو متحرک که شیب کمی دارد پایین می‌روم، کمی دورتر، مردی با کلاه شاپوی سیاه، فرزند و چابک به درون کتابخانه داخل می‌شود. بعد از گذشتن از خط کنترل، به سوی او می‌روم، به نظر آشنا می‌رسد، مرد کلاه به سر می‌چرخد و چهره‌ی آشنای رضا براهنی لبخند می‌زند، سلام و احوالپرسی...، به درون سالن انتظار می‌رویم. میهمانان آمده‌اند و مشغول گفت‌وگو و برداشتن برشورها و جزوات مربوط به نمایش هستند. در جلوی در ورودی سالن اجتماعات زنی نسبتاً بلند قامت، کشیده و ظریف با براهنی دست می‌دهد و به زبان انگلیسی خوشامد می‌گوید، براهنی مرا به او معرفی می‌کند و او را به من... خانم سیکسو. آرام و لبخند به لب، خوش آمد می‌گوید و دست می‌دهد.

شما فرانسه حرف می‌زنید.

بله، بله - از دیدتان بسیار خوشوقتم.

دستان باریک با آن انگشتان بلندش لحظه‌ای درون دستان بزرگم گم می‌شود. مکث می‌کنیم. «لمس دستان غیرقابل لمس»، داستانی که سمند سبک بال قلم را بر سپیدی کتانی هزاران برگ رانده است، مام صدها (شخصیت، جای محل، گیاه و حیوان و اشیا) را که در ژرفای ناپیدای تخیل او تلوین یافته و بر سینه صفحات نشسته است. چه بی‌شمار جملات اثیری، آهنگین و موزون از زهدان اندیشه این موجود حیرت‌آور جوشیده و با این دست‌های پرکار به کتابت کشیده شده‌اند و روایت‌های نواز انسان به حافظه متن سپرده شده‌اند، چه زن شگفت‌انگیزی، نگاهش می‌کنم و تماس و گرمی دستانش را به خاطره بشری دستانم می‌سپارم. لبخند می‌زند و چشمان سیاه و درخشان هلن با کنجکاو و شرم جهان را می‌کاود.

سالن اجتماعات کم‌کم از جمعیت پر می‌شود. با براهنی به درون می‌رویم و در ردیف دوم جلو جای می‌گیریم. این همایش به مدت سه روز (۲۲، ۲۳ و ۲۴) ماه مه در تالار بزرگ اجتماعات کتابخانه ملی فرانسه (فرانسوا میتران در بزرگداشت خانم هلن سیکسو تشکیل خواهد شد، که هر روز در دو نوبت، صبح و عصر برای ایراد سخنرانی، متن خوانی، تأثیر و میزگرد و پرسش و پاسخ... اختصاص خواهد یافت. در این گردهمایی جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های، دانشگاهی، فلسفی، پژوهشی، ادبی و هنری حضور خواهند یافت، تا خلاقیت و نبوغ این بانوی برجسته‌ی فرهنگ و ادب فرانسه را ارج نهند هلن سیکسو چندی قبل مجموعه‌ی دست‌نوشته‌هایش را به آرشیو کتابخانه ملی فرانسه، اهدا نمود. مخزن گنجینه‌ی کتابخانه‌ی ملی، صدها نسخه‌ی دست‌نویس، یادداشت، نامه، فیش... بزرگانی چون ویگنر هوگو، گوستاو فلوربر، مارسل پروست، مارگرت یودستر... را در خود جای داده و حفظ و نگهداری می‌کند. این آرشیو بی‌ظنیر بخشی از حافظه جمعی ملت فرانسه را تشکیل می‌دهد.

بعد از گشایش همایش توسط ژان نونل ژانری، "Jean-No Jeannerie" مسؤول کتابخانه بلافاصله همایش علمی آغاز می‌گردد. در بخش اول صبح امروز قرار است سه نفر سخنران از ساعت ۹/۳۰ تا ۱۲/۳۰ صحبت کنند، نخستین آن‌ها ژاک دریدا Jacques Derrida خواهد بود و بعد از او به ترتیب خانم مشیل ژاندریو - ماسالو Massalouy - Hichle Gendreau و سپس خانم میری کال - گروبه Mireille Calle-Gruber به ایراد سخنرانی خواهند پرداخت. عنوان همایش را ژاک دریدا پیشنهاد کرده است. «پیدایش، نسب‌نامه‌ها، تألیف‌ها» "Geneses Gnaloziés Genres" دریدا قبل از شروع قرائت متن از طولانی بودن آن پوزش خواسته و بدون لحظه‌ای وقفه، شروع می‌کند، پرتوان و پیچیده و شگفت‌انگیز مطلب را می‌خواند. بدون خستگی و ملال تا ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه سخن می‌راند.

«دست‌نوشته» گنج  
پنهان جهان خیال و  
خلاقیت نویسنده  
است که پیوسته در  
حرکتی ناپایدار و  
تحول و گسترش  
می‌یابد.

هر موزه‌ای  
گورستان آثار  
هنری است و هر  
مخزن کتابخانه‌ای  
فراموش‌خانه  
وسیعی است که،  
دست‌نوشته‌ها و  
یادداشت‌ها و  
واژه‌های مؤلف را  
برای ابد در لابه‌لای  
ظلمت پرونده‌های  
قطور بایگانی‌ها و  
صندوق‌ها دفن  
می‌کند.

از مطلب بلند دریدا می توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد.  
او نخست سؤال می کند: نابغه تو کیستی (Genie qui est tue?)

و در پیوند با این پرسش عمومی و خاص، خود جواب می دهد که: واژه ی نابغه تابع خصلت مردانه است و این واژه در فرانسه به دال مذکر اطلاق می گردد، سپس در چرخشی از استدلال فلسفی به جای « ترکیبی » می پرسد: « او کیست؟ » اوری مؤنث، و در این بازی زبانی و ترفند ادبی و آفرینش و استخراج مفهوم نواز واژه (که تخصص دریدا است) واژه ی نابغه را برای دال مؤنث به کار می برد چیزی که به ساختار گرامری زبان فرانسه مغایرت دارد. دنباله مطلب به برجسته کردن خصلت های عمومی نشانه ها در ساختار زبانی آثار هلن سیکسو کشیده می شود و به اهمیت و نقش آوایی واژه ها در آثار سیکسو تأکید می شود. به طور مثال آوای حرکت حرف G و بازی های زبانی که منجر به پیدایی واژه های هم آوا و هم خوان می گردد، واژه هایی همچون:

Genie<sup>1</sup>, Gneologie<sup>2</sup>, Genre<sup>3</sup>, Generosite<sup>4</sup>  
که همگی آن ها با وجود معانی متفاوت و مختلف از ویژگی های هارمونیک و موزون آواهای هم آهنگ برخوردارند. دریدا با ایجاد شبکه ای نامرئی به تحلیل رابطه ی مفهومی بین واژه ها پرداخته و به ارتباط تنگاتنگ بین نابغه "Genie" و راز مکنون "Secret" تأکید می ورزد و مدعی می شود که: آفریننده ی نابغه، محزون رازهای مکنون است.

«رازهای مکنون» به مجموعه یادداشت های اولیه نویسنده، حاشیه نویسی ها، نشانه گذاری ها و متنی اطلاق می شود که سرانجام به شکل اثر هنری «مکتوب» تکوین یافته ای آماده و منتشر می شود و از این پس به حیات مستقل خویش ادامه می دهد. هر چند دریدا معتقد است که نویسنده در نوشتار حضور ندارد و برای گفتار اهمیت خاصی قائل است و آن را دلیل یک «حضور» بی واسطه به شمار می آورد، لیکن خود دست نویس، جان مایه ی اصلی مرئی سازی اندیشه و خیال و تبلور حضور فکرت است. فکرتی که همچون مخزنی در بردارنده ی راز است، و این راز مکنون وقتی به مکانی حفاظت شده مثل گنجینه کتابخانه ملی سپرده می شود، پنهان گشته و گم می شود و چون از مدار تأثیر اندیشه و دخالت قلم خارج گشته است، در لحظه ای تاریک گم و سترون می شود.

دریدا می افزاید «کتابخانه مکانی است که از رازهای پنهان نگهداری می کند، حفاظت از اسرار منجر به گم شدن اسرار می گردد.» راز مانند خود نابغه برخوردار از قدرت است، راز عبارت از (چه کسی) است که تبدیل به (چه چیزی) می شود.

دریدا در تری موزون و کلام محور "Lozocentrique" به تحلیل اندیشه هلن سیکسو و بارمترکام حضور نویسنده در اثر پرداخته و با وارد شدن در جدولی بی انتها از واژه های هم آوا، به استخراج ضرباهنگ های موزن موسیقایی می پردازد و سرانجام با برقراری ارتباط معنایی از این مجموعه نائل می شود.  
دریدا اظهار می دارد:

«پیدایی و اعلام حضور یک "زن نابغه" در عرصه زبان فاخر فرانسه یک اتفاق ساده نیست. «که هستی تو؟ کی هستی تو؟ خود هستی، خود، گنجینه ی رازهای مکنون...»  
دریدا در دایره ای از بازی های زبانی و کلیات هم خوان جابه جا شونده و سلسله ای از واژه های التزامی حروف "Alliteration" به گنجینه ی جهان خلاقیت و نبوغ هلن سیکسو ره می گشاید در بازی آوایی با حروف G در واژه هایی چون: Genie, Gnozie, Gense, Genre.

تصویری از الفاظ هم آوا را بازتاب می نماید که به شکل اتوماتیک و در جابه جاشوندگی آوایی حرف به کلمات گوناگون، (نابغه، شجره نامه، تکوین، تألیفات) معانی مختلفی را به دست می آورد و با حصول به این معانی ویژگی های مفهومی نگارش هلن سیکسو را مرئی می کند. این فرایند بیانگر تولد واژه ها از زهدان اندیشه ی مؤلف تا ثبت آن بر سینه ی کاغذ می باشد.

«دست نوشته» گنج پنهان جهان خیال و خلاقیت نویسنده است که پیوسته در حرکتی ناپایدار و تحول و گسترش می یابد.

این فرایند تکوین با سپرده شدن دست نوشته به آرشیو متوقف گشته، و نوشته به فراموشی سپرده شده و سترون می گردد و به قول دریدا «گم می شود» و اگر مؤلف هنوز زنده باشد که هست، مفهوم چنین عملی را به مثابه قطع

اهدادست نوشته ها،  
توسط هلن سیکسو  
به عبارتی مومیایی  
کردن و مدفون  
ساختن واژه هایی  
است که از زهدان  
تخیل بی نظیرش  
تراوش کرده و بر  
سینه ی کاغذ  
نشسته است.

«تولد» شنیده شدن  
دم و نفس زاده شدن  
را به ارمغان  
می آورد، و به  
سیاهه ها و خطوط  
شکل و سامانه  
خوانده شدن را اهدا  
می کند،



هلن سیکسو و رضا براهنی

عضوی دردناک که مومیایی شده و به گور طلایی سپرده می‌شود، درک و احساس می‌کند. التیام چنین گسستی فقط با پاداش نامیرایی و بی‌مرگی مؤلف، در پرونده و ادامه یافتگی او در متن و اثر امکان‌پذیر می‌گردد و رازی که انسان از نخستین توجه و آگاهی «بار» مرگ و نیستی به دست آورده است. هر موزه‌ای گورستان آثار هنری است و هر مخزن کتابخانه‌ای فراموش‌خانه وسیعی است که، دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها و

واژه‌های مؤلف را برای ابد در لایه لایه ظلمت پرونده‌های قطور بایگانی‌ها و صندوق‌ها دفن می‌کند.

اهدای دست‌نوشته‌ها، توسط هلن سیکسو به عبارتی مومیایی کردن و مدفون ساختن واژه‌هایی است که از زهدان تخیل بی‌نظیرش تراوش کرده و بر سینه‌ی کاغذ نشسته است.

کلام شیوای ژاک دریدا سه ساعت تمام وقت صبح را به خود اختصاص می‌دهد. نشست بعدازظهر در دو قسمت و با شرکت سخنرانان زیر تشکیل شد.

۱- خانم میشل ژندرو - ماسالو (Michele Gendreau-Massalox)، استاد دانشگاه‌های پاریس و لیموژ، متخصص ادبیات اسپانیایی، مدیر آکادمی پاریس و مؤلف آثار متعدد ادبی و به‌ویژه آثاری درباره‌ی اومانیسم در ادبیات اسپانیایی و ...

موضوع سخنرانی (سخن نمی‌گوییم، ساکت نمی‌مانیم، هلن سیکسو، کودکی هنر)

کلام ایشان حول محور اندیشه و روند تکوین خلاقیت هلن سیکسو دور می‌زند، هلن سیکسو می‌نویسد:

«تمامی صبح‌ها، من یک دختر کوچک هستم»، درک این گفتار گام بلندی است در جهت دریافت سرچشمه و مفهوم نوشته‌های هلن سیکسو. حس کودک یا کودکی موجب پیدایی زبان ادبی اوست که بر بنیاد آواهای ماقبل سخن یا (کلام محوری - نرینه) استوار است. قهرمانان و محتوای آثارش رازهای حیات و ناهنجاری‌های جهان امروز را مورد پرستش قرار می‌دهند.

۲- خانم میری کال گروبر Mireille Call-Gruber

ایشان نویسنده و استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه پاریس ۸ - ونسن - می‌باشد، و مدیریت بخش مطالعات زنان این دانشگاه را به عهده دارد، و یکی از کارشناسان مهم آثار هنری خانم سیکسو به شمار می‌رود. موضوع سخنرانی ایشان «تولد» است.

گروبر روند پیدایی و حضور نویسه را از شکل اولیه‌ی آن یعنی سیاهه‌ها و خطوط نامفهوم تا دگرپسندی و تکوین آن‌ها به نشانه‌ها و حروف و خطوط ملموس در آثار نویسنده را مورد بررسی قرار می‌دهد. او می‌افزاید «تولد» شنیده شدن دم و نفس زاده شدن را به ارمغان می‌آورد، و به سیاهه‌ها و خطوط شکل و سامانه خوانده شدن را اهدا می‌کند، بی‌آن‌که بدانند خود را ناگزیر به اندیشیدن درباره تمامی قطعات ادبی مکتوب، کرده است. به اندیشیدن درباره‌ی پیشینه‌ها، سوابق، جانشین‌ها و توالی آن‌ها و به آن چیزهایی که با «روندی شاعرانه» در نوشته‌های هلن سیکسو روی می‌دهند. بعد از صحبت ایشان «در قسمت دوم برنامه آقای رضا براهنی سخنرانی کردند، ایشان از کانادا برای شرکت در این

می‌ترسم، آری  
می‌ترسم برای به  
زبان آوردن این  
گفتار، برای گفتن  
آن، در این کتابخان  
ملی چون از کسانی  
که از کتابخانه‌های  
ملی و از موزه‌ها  
نفرت دارند، و  
همچنین از  
مشاهده‌ی خودم در  
چنین مکان‌هایی  
وحشت دارم.

موضوع سخنرانی دکتر براهنی «مادر مثله، زبان قطعه قطعه» بود.

او می گوید:

«در این جا بودن برای من یک افتخار است، مادر این جا گرد آمده ایم، که با یکدیگر جمع شویم و از هلن سیکسو، مثله شده در کتاب ها و کلمات و متون سخن بگوییم، آری ما باهم، درهم جمع شده ایم، برای این که عناصر شناور در این جا و آن جا به یکدیگر شباهت پیدا کنند، نه در اشکال خصلتی بلکه در بنیادهای جدیدشان، در این زبان مکرر، زبان بنیادین، در این زمانی که (اکنون) من کلمات را بر زبان می آورم، و نیز می گویم، من می ترسم، آری می ترسم برای به زبان آوردن این گفتار، برای گفتن آن، در این کتابخان ملی چون از کسانی که از کتابخانه های ملی و از موزه ها نفرت دارند، و همچنین از مشاهده ی خودم در چنین مکان هایی وحشت دارم.

چون همه ی شما دیدید که در ماه گذشته چه بر سر این دو مکان آمد، بر سر موزه ی بغداد کتابخانه ملی عراق و بر سر یادبودها - یادگارهای تکه تکه شده ی سومری ها، اکدی ها، بابلی ها، آشوری ها، یهودی ها، اعراب، مادها، پارس ها، پارت ها، ترکان و یونانی ها چه آمد، آری: (ما باید دوباره از صفر شروع کنیم، با تمام قدرت.»  
دکتر براهنی از تکه تکه شدن زبان برومند نخستین و بیگانه شدن اجزا، آن در طی زمان سخن می گوید.

در بررسی واژه هایی چون خراشیدن، زن، ژن و بَخ، بغداد، باکوس و... به هم ریشه بودن آن ها و به خویشاوندی زبان های ایرانی و زبان لاتین اشاره می کند و به پیوندهای جدید واژه ها در زبان و ضرورت های بازی های زبانی در کارهای ژاک دریدا و هلن سیکسو تأکید می ورزد. دکتر براهنی در بخشی از سخنان خویش به ایام یادآوری اشاره می کند که در کارگاه ادب و زبان خویش در تهران به تعلیم نظریات دریدا و شناساندن نوشته ها هلن سیکسو می پرداخت. با اندوه یک کودک از کنده شدن و تکه تکه شدن خویش و جدا ماندن از زبان مادریش، ترکی در آذربایجان آن سال ها یاد می کند، و مفهوم بیگانگی را در زمان مادریش شرح می دهد و از آن به نام «مادر با لکانیزه» یاد می کند. او می گوید: «من زبان مادریم را بلعیدم» و سپس می افزاید که در دامن زبان دیگری (فارسی) پرورش یافته، مانند کوری که گوش های تیزش را بر روی واژه های آشنا و ناآشنا گشوده است براهنی در برابر (ابزار جادویی نگارش) هلن سیکسو، از مشاهده ی نامرئی ها سخن می راند مفهوم کور شدن هلن سیکسو را با مفهوم کور شدن شمس این عارف دیونیزیوسی، مقایسه می کند او مفهوم دیونیزیوسی را معادل معنای کاربردی نیچه (زایش تراژدی) قرار می دهد و منظور از آن را به کارگیری خلاقانه شیفتگی ها، شورها و تأیید جهان مادی و نیروی پرتوان انسان در زایش و خلق اثر هنری می داند. دکتر براهنی با شعری بلند (به زبان فارسی) سخنانش را به پایان می برد. متن لاتین آن همزمان با سخن شاعر به روی پرده ی بزرگ انداخته می شود.

هلاک بندری این پرنده ها

من می گویم هی ای کلاغی هی

...

طاووس می گذرد

از چشمانش، شب شباسب

و...

سخنران بعدی خانم باتریس دیدیر Batrice Didier بود. خانم دیدیر رییس دپارتمان (بخش) زبان و ادبیات دوره دکترای دانشگاه ونسن Vincennes (پاریس 8) می باشد و از همکاران نزدیک خانم سیکسو در ایجاد بخش مطالعات زنان در این دانشگاه به شمار می رود.

موضوع سخنرانی ایشان (سیکسو، موسیقی و قصه های هوفمان) بود.

او می گوید:

با وجود این که آثار نقد و بررسی هلن سیکسو از اهمیت خاصی برخوردارند، لیکن ما به خواندن متون داستانی یا نمایشی او گرایش و تمایل بیشتری داریم، در سلسله مطالعاتی مربوط به قصه های هوفمان، هلن سیکسو تلاش می کند به پرسش پیچیده زبان موسیقی بپردازد و با پاسخ گویی به معمای پنهان، به کشف رازهای زبانی که موسیقی نام

همه ی شما دیدید  
که در ماه گذشته  
چه بر سر این دو  
مکان آمد، بر سر  
موزه ی بغداد  
کتابخانه ملی عراق  
و بر سر یادبودها -  
یادگارهای  
تکه تکه شده ی  
سومری ها،  
اکدی ها، بابلی ها،  
آشوری ها،  
یهودی ها، اعراب،  
مادها، پارس ها،  
پارت ها، ترکان و  
یونانی ها چه آمد،  
آری: (ما باید  
دوباره از صفر  
شروع کنیم، با تمام  
قدرت.»

دارد پردازد.

آخرین سخنران روز نخست همای دانیل فور Daniel Ferrer، نقاد و مدیر انستیتوی متون دست نویس مدرن، و سردبیر نشریه Genesis ۵ می باشد. ایشان مؤلف کتب گوناگون در نقد و بررسی ادبیات معاصر می باشد. موضوع سخنرانی او «سراغهای سرآغاز» بود «من خواستار جنگل هستم، پیش از آن که تبدیل به کتاب شود و دوستدار انبوه کاغذها پیش از آن که به صفحات بدل شوند».

دانیل فور درباره اهمیت دست نوشته های خانم سیکسو که اکنون به مخزن کتابخانه ملی فرانسه سپرده شده اند سخن راند و به اعتبار پژوهش هایی که در آتیه توسط دیگران روی نوشته های وی انجام خواهد شد و کشف دوباره زوایای پنهان، یادداشت های پیرامونی، طرح های اولیه و روند تکوین متون، تأکید ورزید او افزود:

«هلن سیکسو منطقی و واقع بین با خود، اوراق نوشته هایش را با وساطت کتابخانه ملی به ما هدیه و فدیة کرده است. اکنون باید ارزش والای این واگذاری و امانت را نشان دهیم و انگیزه خلاقیت او را که از این پس به صورت آثار و علائم نوشته هایش به ما واگذار شده است در پژوهش هایمان کشف و روشن نماییم. بعد از سخنان دانیل فور روز نخست نشست به سر آمد.

ساعت از هفت بعدیازظهر گذشته بود که همراه با دکتر براهنی و ناصر پاکدامن از کتابخانه خارج شدیم. کتابخانه فرانسوا میتران (کتابخانه ملی فرانسه) در منطقه ای به نام Bercy در جنوب شرقی پاریس احداث شده است که سابق بر این محله ای انبارها و کارخانه ها و کارگاه های کوچک کنار رودخانه ی سن بود. کلنگ آن در زمان ریاست جمهوری فرانسوا میتران به زمین زده شد و از پروژه های کلان و به یادماندنی این دوران است. همین چندی پیش فضای اطراف کتابخانه خالی بود، ولی اکنون از ساختمان های عظیم اداری و مسکونی پر

روز دوم سفر  
دوازدهم  
مژده سید و شهنشاه و دو



نوشته ها که بخش  
مهمی از حافظه ی  
جمعی ملت ما را  
تشکیل می دهد،  
به جای آن که به  
گنجینه ی کتابخانه  
ملی سپرده شوند،  
به دوزخ سوزان  
سوء تفاهم بزرگ  
پرتاب می گردند،  
و خاکسترشان  
دستخوش بادهای  
هرزه ی زمان  
می گردد

شده است که بی وقفه مثل قارچ در فضاهای خالی این منطقه از پاریس می رویند و بالا می آیند. در امتداد خیابان وسیع مشرف به مسیر خطوط آهن که در عمق بیست، سی متری مثل رشته ماران از جایی نامعلوم کشیده شده و به ناکجاآبادی مکنون ادامه می یافت، راه افتادیم. هر سه خسته ولی سرشار، درباره برنامه روز گپ می زنیم. دوست همراهمان که از دانشگاہیان و از قلم به دستان قدیمی به شمار می رود. لختی تأمل کرد و به ما ساختمان بلند زهوار درفته ای را در آن طرف مسیر خطوط آهن را نشان داد و گفت:

اون ساختمونو می بینید، همین چند وقت پیش حسن هنرمندی تو اون اتاق بالایی خودشو کشت. در بالاترین طبقه ساختمان ده طبقه، حفره پنجره ی سوخته و سیاه شده ای دیده می شد که با قطعه پلاستیک چروک و پاره ای پوشانده شده بود و اتاقی بود که چندی قبل از مرگ حسن هنرمندی آتش گرفته بود، اتاق او را به طبقه پایین منتقل کرده بودند. چند روز بعد جسدش را در آن چهاردیواری، در میان کتاب هایی که هنوز مرتب نشده بودند، یافته بودند. اتاق تنگی که در ساختمان Sonacotra مقر افراد بی خانمان و کارگران بیگانه و پناهندگان قرار دارد. راوی در ادامه ی سخنانش گفت: فکر می کردم انبوهی از یادداشت ها و نوشته های او را پیدا خواهم کرد. رفتیم و صورت جلسه کردیم. چیز دندان گیری نبود، مثنی کتاب و یادداشت و کمی خرت و پرت، همین. براهنی گفت: ولی یادمون نره که ما آندره ژید را با ترجمه های او شناختیم، «ماتده های زمینی»، «سکه سازان» آثاری که روی نسل ما اثر قابل توجهی گذاشت.

ناصر گفت: آره حق با شماست، ترجمه ی کتاب محاکمه کافکارا هم مدیون او هستیم. کتابی هم با عنوان رمانتیسیم

تا سورالیسم نوشته بود که به بررسی یک قرن شعر فرانسه اختصاص داشت. گفتم پایان زیبایی نبود. کشتن خویش و رها شدن از هستی خود، و گریختن از غربت سنگین و خاکستری تبعید و روزهای تاریک تنهایی.

او بارها فریاد زده بود «امدادی ای رفیقان با من» لیک سرمای زمستان غربت، گوش‌ها را کر و چشم‌ها را کم‌سو کرده و دستان امداد را خشکانده است و بیگانگی همچون خره‌ی بی‌امانی هستی تک‌تک فرزندان زیبا و برومند آن خاک سوخته را به نابودی کشانده است. او برای رهایی خویش از این رود سترگ کنده شدن و بی‌خانمانی و تحقیر، رفتن را بر ماندن در این جهان نامردی و نامردمی ترجیح داده بود.

بر ما چه می‌گذرد؟ نسلی در حال خاموش شدن است که فرصت و امکان انتقال دانش و اندوخته‌های فرهنگی دوران ساز خود را به نسل‌های بعدی از دست داده است و یا در واقع امکان انتقال از او سلب شده است. گسستی که موجبات سترون شدن زهدان خلاقیت و بالندگی یک ملت را به همراه خواهد آورد و هزینه آن برای هستی فرهنگی و هویت یک ملت بسیار گران تمام خواهد شد. سکوتی سنگین، شوق گپ زدن را خاموش می‌کند، غمی ناآشنا ته‌دل‌چمباتمه می‌زند و هر سه باهم و جدا از هم به راه خود ادامه می‌دهیم.

و قطعه شعری از حسن هنرمندی در فضا نجوا می‌کند:

آن سوی مرزها  
پیغام تازه نیست  
خورشید جیره بندیست  
مردم بهار را  
در شیشه‌های کاغذی کارخانه‌ها  
تصویر بسته‌اند  
و شهرهای دوستی بی‌دوامشان  
ویرانه‌تر از خانه‌ی مشرق‌زمینان  
جلسه روز جمعه ۲۴ ماه مه صبح ۹/۳۰ دقیقه تا ۱۲/۳۰ دقیقه

نخستین سخنران خانم مادی ادیل درمن Marie Odile Germain رییس بخش دست‌نوشته‌های کتابخانه ملی فرانسه، متخصص ادبیات مدرن معاصر است. او مسؤولیت تحویل گرفتن دست‌نوشته‌های هلن سیکسو را در کتابخانه ملی فرانسه به عهده دارد. عنوان سخنرانی او «حافظه‌ی دست‌نوشته» می‌باشد. اظهارات او پیرامون مشکلات تحویل گرفتن یک اثر و نگهداری آن دور می‌زند:

«چگونه می‌توان از بایگانی آثار نویسنده‌ای سخن گفت که مسؤولیت نگهداری از آن به عهده‌ات محول می‌شود؛ حافظه‌تکوینی یک متن یا یادداشت‌های روزانه‌ی یک مؤلف، حالت آمیخته و درهم دست‌نوشته‌ها مجموعه عناصری را تشکیل می‌دهند که با خلاقیت نویسنده و حافظه او پیوند خورده‌اند، اما اکنون که به آرشیو کتابخانه سپرده شده‌اند، رفتار ما در قبال آن‌ها باید چگونه باشد؟»

سخنران بعدی آقای عبدالکبیر خطیبی Abdelkebir Khatibi، پژوهشگر علوم اجتماعی و مدیر مؤسسه دانشگاهی و پژوهش‌های علمی (رباط)، مؤلف آثار متعدد پژوهشی.

گفتار او درباره «نوشتار وصیت‌گون» بود. او می‌گوید: «از میان بازی‌های گوناگون ریشه‌شناسی کلمات، واژه‌ی وصیت ما را به «پیوند» ائتلاف و شکل مرکزی شاهد و گواه، رهنمون می‌شود، اینست توجیه من از نوشته به طور عام و از تألیفات سیکسو به طور خاص از یکتایی و منحصر به فرد بودن گویش او، تئوری و افسون و حرکات او در بافتن رشته‌های رؤیا از قطع‌ی او در ترکیب کلامی جابه‌جا شونده‌ی بسیار حساس، از شکل‌گیری هندسی و موزون بدنه‌ی ادبی تألیفات او.»

نفر بعدی خانم آنی لکلر Annie Leclerc فیلسوف، نویسنده و استاد دانشگاه بود که با موضوع «شیوه عجیب»

«من در تنم،  
نیروی ناب، چیزی  
شبیبه یک  
قلوه‌سنگ، اندکی  
ترس و چیزی  
افزون» بر این یعنی  
یک هستی  
کوچک که پیوسته  
بزرگ می‌شود،  
جای داده‌ام، که از  
من تمنا دارد، آن را  
نابود کنم، که آن را  
حفظ کنم.»

«نوشتار به تنهایی  
جهان را تغییر  
نمی‌دهد، اما بخش  
بزرگی از این  
مبارزه را تشکیل  
می‌دهد.»

سخنرانی کرد.

آخرین سخنران جلسه صبح آقای ژاک اُبر Jacques Aubert استاد دانشگاه، عضو مکتب فروید بود. او مؤلف کتاب‌های متعددی درباره‌ی جیمز جویز، ویرجینیا وولف و ژاک لاکان، می‌باشد. موضوع سخنرانی او «هلن» دیگری، آن یکی» بود که تحلیل روان‌شناختی از آثار و خلاقیت هلن سیکسورا ارائه می‌داد.

«بین دو زمین، بین چندین جریان آب و نشانه‌هایی برای یک گذرگاه، چشم‌انداز جهان تخیل مؤلف را می‌سازد.» شکل مجسم یک توتم با همه‌ی هیبت اسرارآمیزش، صحنه‌ای غلوآمیز از یک رویداد، بازتاب یک درون‌گرایی شاعرانه، همگی عناصر اندیشه و تألیفات هلن سیکسورا رقم می‌زنند.

بخش دوم نشست از ساعت ۱۴ بعدازظهر آغاز می‌گردد.

گروه (تأثر آفتاب) به سرپرستی خانم آربین منوشکین Ariane Mnouchkine و گروه هنرپیشگان، موسیقیدان، قطعاتی از نمایش «شهر نفرین شده» اثر هلن سیکسورا اجرا کردند. در فاصله‌ی بین هر قسمت خانم سیکسو (مؤلف) و خانم منوشکین (کارگردان) به سؤالات حضار پاسخ می‌گفتند.

نمایش (شهر نفرین شده) یا (بیدار شدن ادنی‌ها) Erinyes در سال ۱۹۹۲ به دنبال رسوایی بزرگ «خون‌های آلوده» در زمان لرد فابیوس نخست‌وزیر وقت نوشته شد. این رویداد، عبارت از تزریق خون‌های آلوده به ویروس مهلک ایدز یا سیدا "Sida" به کودکان هموفیل و بیماران نیازمند به خون بود که موجب مرگ شمار بسیاری از این بی‌گناهان گردید. نمایشنامه‌ی شهر «شهر نفرین شده» برگرفته از این واقعه به گونه‌ای مجازی، روایت مرگ انسان‌ها را به اسطوره‌ای فرازمانی تبدیل کرده است که طی آن ارنی‌ها، فرشتگان داوری و انتقام از خواب هزاران ساله خویش برمی‌خیزند و با شلاق‌هایشان بر گروه گناهکاران فرومی‌کوبند، و با مشعل‌های فروزان‌شان جان و تن آن‌ها را به آتش می‌کشند. ارنی‌ها، الهه‌های نیک‌اندیشی و انتقام از قطرات خونی که از اعضا قطع شده‌ی اورانوس (Ouranous)، بر (زمین) ریخته است متولد گشته‌اند، و به جهان کهن الوهیت هلنی تعلق دارند تعداد آن‌ها نامعلوم است ولی معمولاً از سه‌تای آن‌ها نام برده می‌شود. اَلکت - مِگِر - تِسفونه - Tisphon Alecte - Mgrre نمایش در فاصله‌ی دسامبر ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۳ نوشته شد و توسط گروه اعجاب‌انگیز و معتبر تأثر آفتاب Theatre du Sopeil و به کارگردانی بانوی بزرگ تأثر فرانسه، آدین منوشکین در سال ۱۹۹۴ به روی صحنه رفت. اجرای این نمایش در فستیوال بین‌المللی تأثر آوینون Avignon، شگفتی آفرید.

این دیدار و اجرا و پرسش و پاسخ در ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه خاتمه یافت و بخش دوم بلافاصله شروع و تا ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه به درازا کشید.

نورغیور، شماره  
نوزدهم  
فروردین ۱۳۸۵

زنان پیوسته در  
تبعیدند و مخفی،  
و تنها نوشتن  
می‌تواند پرده‌های  
اسرار و تکوین زن  
را کنارزند و  
شخصیت واقعی او  
را بنمایاند.

نوشتار همچون  
دریچه‌ای است، که  
زن را به جهان آزاد  
مرتبط می‌کند و  
می‌رہاند و واقعیت  
را در جریان‌های  
مکتوب به جریان  
می‌اندازد.





سخنرانان قسمت دوم نشست عبارت بودند از:

۱- توم کنلی (Tom Konley)، استاد دانشگاه هاروارد، مؤلف کتب و پژوهش‌هایی درباره‌ی تاریخ و تئوری ادبیات.

عنوان سخنرانی او «سفر ژن» و برگرفته شده از رساله‌ی ژان مارو (Jean Marot) شاعر است و شرح سفری است که او در سال ۱۵۱۲ انجام داده است. متن این سفرنامه‌ی جغرافیایی تاریخی و شاعرانه حول سلسله‌ای از افعال غیرعادی، رگ و گستاخ شکل گرفته است، سفری در ناشناخته‌ها. توم کنلی اظهار می‌دارد که: «سفر ژن به طور استعاری مرا با آثار هلن سیکسو یعنی «تکوین»، «شجرنامه» و تألیفات دیگرش که اکنون بایگانی شده است مربوط می‌کند و رجعت می‌دهد و پژوهش‌های مرا در جهت شناسایی مولد اندیشه‌ی هلن سیکسو در کتاب بایگانی (Archire) رهنمون می‌شود.

۲- رنه ماژور (Ren Major) فیلسوف، پزشک و متخصص روانکاوی صاحب تألیفاتی پیرامون روان‌شناسی، مرگ و زندگی و اندیشه‌های ژاک دریدا و لاکان او می‌گوید: «نوشته‌های هلن سیکسو بین عمو فروید و برادر بزرگ لاکان، بین عرصه نوشتار و عرصه تخیل در میان یک فضا - مکان و فضا - زمان به روی جهان، روانکاوی، روان‌پژوهی گشوده می‌شود و در برابر سؤالات بی‌پایان کشته‌هایی که زنده بودند، قرار می‌گیرد، و به پاسخ‌گویی می‌نشیند.

۳- فردریک رگارد Frdric Regard استاد دانشگاه و مدیر مدرسه عالی ادبیات و علوم انسانی (شهر لیون) و صاحب تألیفات، درباره ادبیات آنگلو ساسکون.

موضوع سخنرانی او «تماماً چشم» بود که به طور مجازی شاهد شدن نگاه را در برابر پدیده‌های متحول جهان مورد بررسی قرار می‌دهد. او می‌گوید: «سعی خواهم کرد نشان دهم چگونه متن اعتراف «آگاهی» در ایجاد رابطه‌ی ناشناخته‌ای که از قانون نرینگی رجولیت رها گشته است، دخالت دارد. این امر نه از اختگی و نه از قدرت خیرگی، برخاستگی نره بلکه خصوصاً از بازی یک «شاهد» تغذیه می‌کند، و نه از یک «شاید» و عدم اطمینان، بلکه از آگاهی نشاط‌آوری که شناخته و ناشناخته را صرف و نحو می‌کند.

از این پس پیدایی من، مانند یک تکوین بی‌شجرنامه قرائت می‌گردد (خوانده می‌شود) و آن روزی است در رسیدن به من و در چشم شدن، یعنی تبدیل به چشم شدن جلسه روز دوم ساعت ۱۹ بعدازظهر خاتمه یافته بیرون می‌آیم.

قرار بود حدود ساعت هشت بعدازظهر با یکی دو تن از هنرمندان در آتلیه دوست مجسمه‌سازی جمع شویم.

با مترو عازم مرکز شهر می‌شویم و بعد از خلاصی از زیرزمین‌های خم‌اندرخم متروی پاریس از خیابان‌های مرکزی شهر که مشرف به رودخانه‌ی سن است سردر می‌آوریم. هنوز ساعتی به قرارمان مانده است، قدم زنان عازم مقصد می‌شویم. رودخانه در سمت راست به سوی غرب جریان دارد و ما در جهت عکس جریان آب گام برمی‌داریم.

آرامش و زیبایی رودخانه در سمت راست به سوی غرب جریان دارد و ما در جهت عکس جریان آب گام برمی‌داریم! آرامش و زیبایی رودخانه‌ی سن و ساختمان‌های قدیمی، قصر باشکوه مدیسی و کلیسا شگفت‌انگیز نتردام، در سمت راست و کاخ عظیم شهرداری مرکزی در سمت چپ و حرکت بی‌هیاهو و آرام آدم‌ها، حرکت بی‌شتاب وسایل نقلیه و عبور قایق‌های سپید که روی سطح بی‌موج و گسترده‌ی آب می‌لغزند، همگن سمفونی باشکوهی از زندگی یک شهر خوشبخت را به نمایش می‌گذارند، مثل تصاویر تابلوهای دلونه<sup>۷</sup> در سال‌های ۱۹۲۰ و گردش هواپیماهای قدیمی بر فراز برج ایفل و چرخش رنگ‌های طیف نوری، که آپولینر<sup>۸</sup> آن را ادفیس<sup>۹</sup> نام‌گذاری می‌کند، یا مانند تصاویر تابلوهای نیکلا دو استال<sup>۱۰</sup> در سال‌های ۱۹۵۰، آرامش خاکستری‌های بام‌های پاریس، چشم‌های آبی پنجره‌ها و یکدست بودن و هماهنگی معماری شهر.

دکتر براهنی فرز و سرحال در کنارم گام برمی‌دارد، بعد از گپ کوتاهی راجع به نشست امروز، می‌گوید چند روز پیش به دیدن نمایشنامه‌ای رفته‌ام که از روی یکی از آثار من «روزگار برزخی آقای ایاز» ترجمه و اقتباس شده است و به زبان فرانسه اجرا می‌شود.

این داستان را در سال ۱۳۴۵ نوشته‌ام و یکی دو سال بعد آن را چاپ کردم به یمن سانسور فرهنگی در سال ۱۳۵۲ همه‌ی نسخه‌های آن را خمیر کردند، از او نا فقط یک نسخه باقی مانده بود که با خودم از کانادا به پاریس آوردم ولی

یکدست بودن و هماهنگی معماری شهر.

دکتر براهنی فرز و سرحال در کنارم گام برمی‌دارد، بعد از گپ کوتاهی راجع به نشست امروز، می‌گوید چند روز پیش به دیدن نمایشنامه‌ای رفته‌ام که از روی یکی از آثار من «روزگار برزخی آقای ایاز» ترجمه و اقتباس شده است و به زبان فرانسه اجرا می‌شود.

این داستان را در سال ۱۳۴۵ نوشته‌ام و یکی دو سال بعد آن را چاپ کردم به یمن سانسور فرهنگی در سال ۱۳۵۲ همه‌ی نسخه‌های آن را خمیر کردند، از او نا فقط یک نسخه باقی مانده بود که با خودم از کانادا به پاریس آوردم ولی

دوره دوم شماره  
مؤلف هم  
مترجم سیدمجتهد و نو

هلن سیکسو به  
نحله‌ی «موج دوم»  
نظریه انتقادی  
فمینیستی تعلق  
دارد که از فرانسه  
برخاسته است. این  
نظریه با تأثیر از  
اندیشه‌های سیمون  
دوبوار  
Simon de Beauvoir  
که زن را به مثابه  
«آن دیگر» مرد و  
به صورت یک  
تقابل دوتایی  
 مطرح می‌کند، و  
آن را جنس دوم  
می‌نامند و در  
نهایت به مشکل  
یک گروه به شمار  
می‌آورند تعلق  
دارد.

کیف محتوی آن و مقداری مدارک دیگر گم شد، به پلیس مراجعه کرده ام ولی هنوز خبری، خاصی نداشته است. گفتم عجب! که، چطور

- همون روز اول

- دست نویس هایش، حتماً اونارو دارید؟

- نه، اونارو قبلاً سوزونده ام

- یعنی هیچ نسخه دیگری در دست ندارید؟

- چرا، این کتاب سابقاً به انگلیسی و اخیراً هم به فرانسه ترجمه شده است، نمایشنامه ای را که بهتون گفتم از روی متن فرانسه اجرا می شد، البته حدود پنجاه صفحه ی آن.

با خودم اندیشیدم، روزگار غریبی است، در کشوری مثل فرانسه هزاران نفر، نویسنده، شاعر، فیلسوف، ادیب آزادانه قدم می زنند و هر سال میلیون ها نسخه کتاب به چاپ می رسانند، دست نوشته های اندیشمندی مثل خانم هلن سیکسو یا سلام و صلوات و با حضور برجسته ترین و ارزشمندترین شخصیت های ادبی و فرهنگی و علمی فرانسه و جهان پاس داشته و با برگزاری همایشی در بالاترین سطح علمی و فرهنگی به گنجینه عظیم کتابخانه ملی فرانسه سپرده می شود. مانند دست نویس های نوابغ گذشته ویکتور هوگو، گوستاو فلوبر، مارسل پروست، مارگريت یودسناو، سارتر، کامو و... دیگران که به آرشیو کتابخانه سپرده شده اند و گنجینه ی کلانی را به وجود آورده اند که به حافظه ی تاریخی ملت فرانسه و در نهایت بشریت تعلق دارد. نوشته هایی که نبض حمایت و راز مکنون خلاقیت های زیباترین فرزندان این سرزمین را در زهدان خویش پنهان کرده است. این ها گل های رنگارنگی هستند که در گلستان فرهنگی این ملت می رویند و می بالند و بار می دهند و در تخمدان سحرآمیز آثارشان، بار فرهنگی عظیمی را برای تولد و بالندگی نسل آینده پرورده و تکوین می دهند، نسلی که پیوسته از روزهای درخشان فرداهای آنان سربر می کشد و در آن سوی جهان، در کشور گل و بلبل، نویسنده، شاعر پیوسته از خیالات و نوشته های خویش وحشت دارد آن را پنهان می کند، و اگر هم روی کاغذ می آید و چاپ می شود، در بسیاری اوقات منجر به ممنوع القلم شدن نویسنده، شاعر، اندیشمند و کتاب ها بعد از مدتی جمع آوری و سوزانده یا خمیر می گردد. نوشته هایی که راز شیدایی و عشق فرزانه ترین فرزندان آن خاک را در خود نهان دارد به شعله های بی امان آتش سپرده می شود، تا جان شاعر وارهد، در امان بماند، و در روزی شوم، چمدانی را که به اندازه ی پیراهن تنهایی او جا دارد بردارد و به برزخ تبعید پای نهد. این نوشته ها که بخش مهمی از حافظه ی جمعی ملت ما را تشکیل می دهد، به جای آن که به گنجینه ی کتابخانه ملی سپرده شوند، به دوزخ سوزان سوء تفاهم بزرگ پرتاب می کردند، و خاکسترشان دستخوش بادهای هرزه ی زمان می گردد که گاه از غرب اسکندری، گاه از شرق مغولان و گاه از صحرای سوزان شبه جزیره عرب بر این سرزمین وزیده است. و ریشه کتاب هایی را که می بایستی به صفحات کاغذ تبدیل شود و شعری بر آن نوشته شود برای سالیان سال خشکانده است.

هر دو در سکوتی غربت زده و تلخ، و در جهت مخالف آب رودخانه ا در ساحل شمالی قدم برمی داریم. مجسمه ساز در آستانه آتلیه اش و با مجسمه های فریادش درمی گشاید، با دستان بزرگ و لبخند مهربانش، پذیرایمان می گردد، هنوز آفتاب همچنان می درخشد.

سومین روز، یکشنبه ۲۴ ماه مه

نشست صبح ۹/۳۰ دقیقه تا ۱۲/۳۰ دقیقه

۱- خانم هلن سیکسو درباره ی «کتابی را که نمی نویسم» صحبت کرد.

۲- ژان کلود کوک که Jean-cloud Couuet

استاد بانفوذ زبان شناسی پاریس ۸ (ونسن - سن دنی) او درباره ی (تجربه و قصه: جایگاه واقعیت) صحبت کرد:

«من روی کتاب «مانهاتان، نامه های ماقبل تاریخ»<sup>۱۱</sup> تکیه خواهم داشت.

«چگونه باید این متن را خواند؟ آیا ما خواندن آن را می دانیم؟ در واقع شرط بندی اصلی اینست، خواندن چیزی

که «ناخواندنی» است. اما آیا فاصله ای بین جایگاه مؤلف و موقعیت و مکان خواننده وجود دارد؟ خواننده پیوسته در

هلن سیکسو،  
بازنمایی مثبت  
زنانه را در قالب  
سخت «نوشتار  
زنانه» ارزیابی و  
نام گذاری کرده و  
بر آن تأکید  
می ورزد و معتقد  
است، تخیل زن  
زیبا و نامتناهی  
است.

رؤیای مؤلف بودن به سر می برد، حتی اگر این امر، موضوع توضیح ناپذیر بودن را شامل شود، هنوز جایی برای عمل سخن گفتن وجود دارد که زبان شناس بدان می پردازد و هنوز جایی برای عمل نوشتن وجود دارد که حوزه ی کاری مؤلف را دربر می گیرد، که این پدیده ی توضیح ناپذیر را یادداشت می کند و اثری از خود به جای می گذارد. در این میان مؤلف و خواننده اثرش در کجا قرار دارد؟ اگر قصه ها، روایت ها و یا افسانه های هلن سیکسو، حرف هایی بیش نیستند، باید توجه داشت که چنین حرف هایی «به جای» حقیقت نشسته اند» آن ها محو نمی شوند، از بین نمی روند، آن ها واقعبیت را به استعاره تبدیل می کنند.

با تمام این حرف ها، واقعبیت آن جایی است که «جهان بر تو واقع می شود» تویی که آن را تجربه می کنی، جهان و هیجستان را.

۳- ژینت میشو Ginette Michaud، استاد بخش مطالعات فرانسه در دانشگاه موترال، بررسی های او زمینه نقد مدرنیته، روابط بین ادبیات، فلسفه، روانکاوی ترجمه و «داو هویتی» را دربر می گیرد. او از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ مسؤلیت مجله ی «مطالعات فرانسه» را به عهده داشت و بعد از آن با نشریات بسیاری در زمینه روان کاوی و نظریه های ادبی، فرهنگی و فلسفی همکاری نموده است. خانم میشو از کارشناسان نظریه های فلسفی ژاک دریدا محسوب می گردد. اخیراً تهیه تحقیقی را در دست دارد که به بررسی آثار ژاک دریدا و به طور اخص به رابطه ی آثار این فیلسوف با آثار و تألیفات هلن سیکسو مربوط می شود.

موضوع سخنرانی او (ناف «در اثر جهل آرشیو») ۱۲ (اثر در بی خبری آرشیو) او اظهار می دارد:

«من تحت تأثیر چند صحنه از اثر هلن سیکسو (آرشیو)، به رابطه شگفتی که بین آرشیو و اثر موجود است و موجب گره خوردن آن ها شده است خواهم پرداخت.

از سویی گره خوردگی بین «اثر در آرشیو» و همچنین «آرشیو در اثر» پیکره ی تفکیک ناپذیری را تشکیل می دهند، و از سوی دیگر شکلی از «رابطه ی بدون ارتباط» را به وجود می آورند که بنیاداً از هم جدا می باشند، این امر آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد و هم درعین حال از یکدیگر جدایشان می سازد.

باتوجه به این مطلب است که گذرگاه بین اثر و آرشیو به شکل یک دریچه ی، یک ناف نمود پیدا می کند و به حالت مبهم و بی پایانی در اصل و بنیاد آن (بنیادی که اکنون توسط آرشیو ملی پذیرفته شده است)، خودنمایی می کند و مسلماً پی آمدهایی اداری و سیاسی را نیز به دنبال خواهد داشت من به تحلیل برخی از این مکان های محسوس ناشی از تصادم این بایگانی با آرشیو کتابخانه ملی خواهم پرداخت.

۴- ژیل آنیجار Gil Anidjar

استاد ادبیات تطبیقی در دپارتمان زبان و فرهنگ آسیا و آسیای میانه در دانشگاه کلمبیا، نیویورک است. مؤلف آثاری در زمینه فلسفه و ادبیات عرب و یهود است و با ژاک دریدا در تهیه کتاب (کنش مذاهب) همکاری داشته. او درباره ی «ترس» سخن می گوید.

نیاز و خواست ترس چیست؟ نیاز به چی و چه نوع زیاده روی افراطی و به کدام «چیزی بیشتر» ترس است پاسخ گویی به ترس چه معنایی دارد؟ پاسخ به ترس و پایان آن. پایان یافتن و یا نابودی ترس شاید یکی از نقاط پیدایی و تکوین نوشته های هلن سیکسو باشد، چنین استنباط و توقعی در تخریب و حفاظت ترس شاید حداقل پاسخی است

دوره دوم شماره ۵  
موازدهم  
مارت سیمونوشتروبو



به این معضل .

«من در تنم ، نیرویی ناب ، چیزی شبیه یک قلوه سنگ ، اندکی ترس و «چیزی افزون» بر این یعنی یک هسته‌ی کوچک که پیوسته بزرگ می‌شود، جای داده‌ام ، که از من تمنا دارد، آن را نابود کنم ، که آن را حفظ کنم .» ۱۳ سخنان من در پاسخ‌گویی به این که ترس حتی در نوشته‌هایی چون «آن‌جا» ۱۴ و «آگست» ۱۵ لانه

کرده و حضور دارد، شکل گرفته است .

بخش دوم ساعت ۱۴/۳۰ تا

۱۶/۳۰ میزگردی با مسؤلیت میری کارل گروبر و با شرکت هلن سیکسو و دنه سکانی Ren de Ceccathy ، برتراند لکلر Leclair Bertrand و تیفن سامویو Tiphaine SamoyaUIT تشکیل گردید و نقاط نظر دیدگاه‌های گوناگون این جمع را پیرامون موضوعی بنیادین یعنی «صحنه‌های نوشتار» ارائه داد .

ساعت ۵ بعدازظهر دانیل مسگیش Daniel Mesguich ، بازیگر و

کارگردان سرشناس تاتر ، منتخبی از آثار مختلف هلن سیکسو را دکلمه کرد .

این همایش سه روزه ، بعد از قرائت اختتامیه توسط برگزارکنندگان و اظهار قدردانی از کلیه شرکت‌کنندگان در ساعت ۶/۳۰ دقیقه پایان یافت . قرار است گزارش کلی و مجموعه سخنرانی‌ها در کتابی به همین مناسبت چاپ و در اختیار همگان قرار گیرد .

هلن سیکسو در سال ۱۹۳۷ در اوران الجزایر از پدری فرانسوی و مادری آلمانی که هر دو یهودی بودند به دنیا آمد . از او آن جوانی به فرانسه رفت و بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی در امتحان ورودی مدرسان دانشگاهی شرکت و در رشته‌ی زبان انگلیسی پذیرفته شد و به تدریس در دانشگاه بوردو Bordeaux مشغول گشت ، سپس به دانشگاه سوربن رفته و بالاخره در سال ۱۹۷۴ با تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در دانشگاه پاریس ۸ - ونسن Vincennes ، وارد کادر این مؤسسه آموزشی شد .

سیکسو دوران کودکی و نوجوانی خود را در شرایطی پیچیده که از مجموعه خلاف‌آمدهای اجتماعی ایجاد شده بود سپری کرد و این امر اثر عمیقی در نوشته‌های او برجای گذاشت ، که محوری‌ترین آن‌ها را می‌توان تبعید ، پوشش ، کم‌گشتگی ، عشق و مرگ محسوب کرد .



پوردوم - شماره ۲۰  
موزدهم  
شارلوسین و هسناوردو

او باور دارد که سنت‌ها ، نظام و قوانین «مرد بنیاد» زنان را سرکوب و واقعیت وجودی آنان را در پرده‌های واقعی و مجازی پوشانده و پنهان کرده است و اتهامات واهی را گناه نامیده و به زنان نسبت داده است و زنان را در وادی سکوت و فراموشی قرون و اعصار اسیر و زندانی نموده است .

کُم گشتگی، عشق و مرگ محسوب کرد.

او معتقد است که زنان پیوسته در تبعیدند و مخفی، و تنها نوشتن می‌تواند پرده‌های اسرار و تکوین زن را کنار زند و شخصیت واقعی او را بنمایاند.

پدیده‌ی تبعید پژواکی گسترده در اندیشه و جهان بینی و آثار این بانوی هنرمند و اندیشمند دارد. تمامی زنان هلن سیکسو غریب هستند، بیگانه و اسیر و نوشتار همچون دریچه‌ای است، که زن را به جهان آزاد مرتبط می‌کند و می‌رهاند و واقعیت را در شریان‌های مکتوب به جریان می‌اندازد.

او در مصاحبه‌ای با جوناتان Jonathan Re می‌گوید:

«نوشتار به تنهایی جهان را تغییر نمی‌دهد، اما بخش بزرگی از این مبارزه را تشکیل می‌دهد.»

هلن سیکسو به نحله‌ی «موج دوم» نظریه انتقادی فمینیستی تعلق دارد که از فرانسه برخاسته است. این نظریه با تأثیر از اندیشه‌های سیمون دوبوار Simon de Beauvoir که زن را به مثابه «آن دیگر» مرد و به صورت یک تقابل دوتایی مطرح می‌کند، و آن را جنس دوم می‌نامند و در نهایت به مشکل یک گروه به شمار می‌آورند تعلق دارد. تلاش سیاسی سیمون دوبوار و یارانش در جهت برابری سیاسی و اجتماعی این دو جنس سازماندهی می‌شود.

ویرجینیا ولف و سیمون دوبوار برجسته‌ترین نمایندگان موج اول هستند. «موج دوم»‌های فرانسوی، اندیشه و زبان را، همچون بدیلی در برابر این معضل پیشنهاد کرده و به صورت دو راهکار عمده آن را ارائه می‌دهند، که برای مبارزه با کلیشه‌های متفاوت مردسالار به کار گرفته می‌شود.

۱- زبان به مثابه عرصه‌ای که این کلیشه‌های مردسالار، در آن سازماندهی و ساخته و اعمال می‌شوند.

۲- زبان به مثابه بستر خلاقیت‌های ادبی، فلسفی برای اندیشه‌های زنانه، که می‌توان از آن تصویری روشن از یک «زبان مشخصاً زنانه» به دست آورد.

پژوهش‌های لاکان در بررسی مجدد نظریات فروید و به خصوص نظریه‌ی (رشک آلت رجولیت که منجر به «عقده‌ی اختگی»<sup>۱۶</sup> در زنان می‌شود، نتایج دیگری از این نظریه که به سطحی زیست‌شناسانه تنزل یافته بود و به دست می‌دهند و دشمنی سخت فمینیست‌ها را با فروید به نرمش و امی دارد او اعلام می‌دارد که نظریات فروید، تشخیص یک پزشک روانکاو محسوب می‌شود نه یک نظریه‌ی ارزشی و نه یک داوری اجتماعی.

برخی فمینیست‌های فرانسوی معتقد هستند که «آلت نرینگی» مورد نظر فروید یک پدیده‌ی زیست‌شناسی نبوده بلکه مفهومی نمادین دارد و اصولاً نرینگی و زنانگی به مثابه‌ی یک «دال» دیگر نمی‌تواند محور جدال‌های سیاسی و فلسفی تلقی شود.

هلن سیکسو و ژولیا کریستوا Julia Kristeva از مدافعان پیوند مستقیم جنسیت مؤنث با خلاقیت شاعرانه هستند که بر طبق آن کشش‌های روان-تنی، جباریت و سلطه‌ی مفهوم واحد «کلام محوری-نرینه» یا «نر-کلام محوری»<sup>۱۷</sup> به کنار گذاشته می‌شود.

در این روند شعر عرصه برجسته‌ترین تحلیل و خلاقیت گشته و «سوژه» از حالت معنی به درآمده و تبدیل به عرصه‌ی معنی می‌گردد. در رهیافت و شناسایی بنیاد زبان به سخن ایمایی کودک تکیه شده و اصوات نظام نیافته در قالب واژه و سخن او را در سرودن موزون واژه‌ها به مشکل تکرار اصوات در آغاز هر کلمه (Alliteration) یاری می‌رساند. ساختار شکنی متأثر از اندیشه‌های ژاک درید، خصلت ایمایی متن را حفظ کرده و ضربات و ظنین‌های تکرار شونده‌ی آوای واژه‌ها را نگی می‌دارد، که مشکلی از «آوا-محوری»<sup>۱۸</sup> می‌باشد این نظریه بر نزدیکی بلاواسطه‌ی اصوات ایمایی موجود «کودک» و جسم حمایت‌گر «مادر» تأکید می‌ورزد و آن‌ها را نخستین تجربه‌ی ماقبل ادیبی نام می‌نهد. در مرحله‌ی بعدی زبان نمادین کودک یا مجموعه آواهای آغازین، تغییر شکل داده و آرام-آرام وارد عرصه جباریت قانونمند «کلام محوری-نرینه» گشته و دگرپرسی آوا به سخن آغاز می‌شود، یعنی گذار از مرحله‌ی ماقبل ادیبی به دوران ادیبی فروید.

بسیاری از شاعران، نویسندگان باتوجه به این مطلب سعی می‌کنند که خلاقیت زنانه‌ی آن‌ها در مرحله‌ی آوایی باقی بماند و به مرحله‌ی ادیبی که دوگانگی آغاز می‌شود، نرسد و یا در نقطه تلاقی بین این دو قلمرو ایمایی و نمادین باقی

## سیکسو معتقد

است: «نوشتار زنان

همواره از سخنی که

نظام نرینه‌سالار

تنظیم می‌کند

فرا تر می‌رود.»

نوشتاری که زبان

نمادین «نرینه» را

واژگون می‌کند.



او از یک طرف  
تقابل دوتایی  
«زنانه - مردانه» را  
نفی می‌کند و  
واژه  
differance  
دریدا را سرلوحه‌ی  
کار خود قرار  
می‌دهد. از طرف  
دیگر «نوشتار  
زنان» را به مرحله  
«خیالی» ماقبل  
ادیبی پیوند می‌زند  
که در آن میان  
کودک و جسم مادر  
نوعی وحدت  
ناکجا آبادی ماقبل  
زبانی برقرار است.

هلن سیکسو، بازنمایی مثبت زنانه را در قالب سخت «نوشتار زنانه» ارزیابی و نام‌گذاری کرده و بر آن تأکید می‌ورزد و معتقد است، تخیل زن زیبا و نامتناهی است.

او باور دارد که سنت‌ها، نظام و قوانین «مرد بنیاد» زنان را سرکوب و واقعیت وجودی آنان را در پرده‌های واقعی و مجازی پوشانده و پنهان کرده است و اتهامات واهی را گناه نامیده و به زنان نسبت داده است و زنان را در وادی سکوت و فراموشی قرون و اعصار اسیر و زندانی نموده است.

اندام زن جهانی است که تمامی خلاقیت‌های نامحدود در قالب آن حادث می‌شود و شکستن قیدوبند دست‌وپاگیر قوانین «مردسالار» می‌تواند به رهایی بی‌مرز و خلاقیت شگفت‌آور زنان منجر شود. سیکسو معتقد است: «نوشتار زنان همواره از سخنی که نظام نرینه‌سالار تنظیم می‌کند فراتر می‌رود». نوشتاری که زبان نمادین «نرینه» را واژگون می‌کند.

این واژگونی شکل رادیکال ساخت‌شکنی متن و زبان است. هرچند خود نوعی نوشتار است، لیکن چون خود به مشکل نوشتار نمود می‌یابد، قادر به حمل معضل دوگانگی<sup>۱۹</sup> موجود نمی‌گردد، مگر این که برای حفظ جایگاه بسیار متزلزل خود بین شکل‌آرایی و نمادین به خلق و بنیاد زبانی جدید پردازد و شالوده نوینی از نظام ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را سامان دهد.

او از یک طرف تقابل دوتایی «زنانه - مردانه» را نفی می‌کند و واژه‌ی differance دریدا را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهد. از طرف دیگر «نوشتار زنان» را به مرحله «خیالی» ماقبل ادیبی پیوند می‌زند که در آن میان کودک و جسم مادر نوعی وحدت ناکجاآبادی ماقبل زبانی برقرار است.

سیکسو بر آن است که تفاوت‌های بین دو جنس (نرینه - مادینه) را از بین ببرد و «دو جنس‌گرایی دیگر» را جاننشین آن بکند.

در اوج لذت متن است که با نفی همه‌ی سرکوب‌ها به مرگ معنی می‌رسد، و با شکستن و رها شدن از این معضل ناگزیر است برای بیان و نهان خود زبانی دیگر بیافریند.

گرایش موجود به نومیالیسم<sup>۲۰</sup>، جهت‌گیری هنرمند را در سمت‌یابی واقعیت مصادیق فردی و خلاقیت‌های شخصی رنگین‌تر می‌کند و «من» او در دیگری «تو» ذوب می‌شود تا از آن سنتز (من - تو)، (تو - من) به وجود آید و نه پدیده‌ی «ما» و این تأویل از (بودن - هستی) پارادکس حل‌نشده‌ی جنسیت (نرینه - مادینه) را همچنان یدک می‌کشد.

پیشنهاد ارائه شده توسط سیکسو، با پیدایی این پارادوکس دچار عارضه‌ی توهم گشته و به جای تغییر بنیادین زبان موجود (نرینه‌سالار) به زبانی خیالی می‌اندیشد و با مردود شمردن عناصر

عارضه‌ی توهم گشته و به جای تغییر بنیادین زبان موجود (نرینه سالار) به زبانی خیالی می‌اندیشد و با مردود شمردن عناصر زبانی نمادین «سلطه‌ی نرینگی» به سکوت پناه می‌برد. تکیه بر خصلت ایمایی مقدم بر سخن به تکوین انقلابی نوشتاری و نهایتاً پیدایی زبان ایمایی نگشته، و عدم موفقیت در این عرصه زن را به سکوتی «ناخودآگاه» می‌کشاند. اندیشه‌های هلن سیکسو در بیش از ۵۴ کتاب و هزاران مقاله و نقد و پژوهشی، مصاحبه و همایش‌های علمی منعکس و بیان شده است.

این زن شگفت‌انگیزی یکی از خلاق‌ترین، پرکارترین نویسندگان - شاعران عصر ما به شمار می‌رود. «شاید برای خلق جملات شفاف، باید درون من حالتی به سبکی یک سنجاقک وجود داشته باشد.»  
هلن سیکسو

پاریس - ژوئیه سال ۲۰۰۳ میلادی

عکس‌های داخل متن از پیمان سلطانی

فهرست عناوین و تاریخ چاپ شماری از آثار هلن سیکسو

	Le Pnom de Dieu	نام خدا
L'exide de Jameo Joyce ou l'ast du remplacement		تبعید جیمز جویز یا هنر جایگزینی
Dedans		درون‌ها
Le Troisieme corps		سومین پیکر
Un Vrai jardin		یک باغ واقعی
Neutre		خنثی یا بی‌طرف
Tombe		مراد
Pnoms de Personne		نام‌های هیچ‌کس
Le Rire de la Meduse		خنده‌ی مدوز
Souffles		۱۹۷۵، دم‌ها، نفس‌ها
		آن‌جا، Lal
Ingst		آنگست
chant du corps intevdit, le nomd Oedipa		آواز پیکر ممنوع، نام ادیپ
Vivre l'orange		نارنجی زیستن؟
Illa		ایلا
with ou l'art de l'innocence		با یا هنر بی‌گناهی
Limonade tout etait si enpini		لیموناد، همه چیز چنین بی‌پایان بود
Le livre de Promethea		کتاب پرومیتا
Le Roman daujour'hui		رمان امروز (مصاحبه)
Le droit de legendi		۱۹۸۴، حق افسانه
The Meadow		مرغزار
La bataille Arcachon, unconte		نبرد آرکاشون، یک حکایت
		ایندیاد یا هندِ خواب‌های آن‌ها، و چند نوشته درباره‌ی تاتر
L' Indiadie ou l'Inde de leurs reves et quelues critics surte thatre		
L'heure de Clarice Lispector		وقت (ساعت) کلاریس لیسپکتور
Jours de l'an		روزهای سال

L'ange au Secret  
 Deluge  
 Beethoven jamais  
 Lectures de la difference Sexuelle  
 La ville parjure ou le rveil des Frinyes  
 La fiance Jaive jeume Juif  
 Messie  
 OR, les letters de mon Pre  
 Voites  
 Osnabrck  
 Le Troisieme corps  
 Tambours sur la Dizue  
 Les reveries dela femme Sauvaze  
 Lejour ou je ntais pas la  
 Benjamin Montaigne  
 Poyrait de jacque Derride en  
 Manhatane, les lettren de la prhistoire  
 Leolernier cavavanserail (odyssey)

فرشته ی راز  
 طوفان  
 بتهوون برای ابد  
 قرائت هایی از تفاوت جنسی  
 ۱۹۹۴ ، شهر بی ترحم یا بیداری اونی ها  
 نامزد یهودی  
 مسیح  
 طلا ، نامه های پدرم  
 حجاب ها (با همکاری ژاک دریدا)  
 اوزنا بروک  
 ۱۹۹۹ ، پیکر سوم  
 ۱۹۹۹ ، طبل ها بر فراز آب بند  
 رؤیای زن وحشی  
 ۲۰۰۰ ، روزی که من آن جا نبودم  
 بنژامن در کوه  
 ۲۰۰۱ ، سیمای ژاک دریدا ، جهود جوان  
 مانهاتان ، نامه های ماقبل تاریخ  
 آخرین کاروانسرای ، (ادیسه)

دوره دوم ، شماره  
 نوازدهم  
 هزار و سیصد و هشتاد و دو



پانویشت

- ۱- نایغه
- ۲- شجره نامه
- ۳- تألیفات
- ۴- سخاوت
- ۵- تکوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

- 6- L'ecrilure Testamentaire
- 7- Robert Delaunay
- 8- Orphisme
- 9- Apollinaire
- 10- Nicolas de Sta
- 11- Manhatan-lettren de la Prehistoire-Galilee 2002.
- 12- Ombilique (L'oeuvre linsu del archive)

- ۱۳- هلن سیکسو، از کتاب آن جا ص ۲۷۸.
- ۱۴- آن جا (La) یکی از کتاب های هلن سیکسو.
- ۱۵- آگنست (Agnest) نوشته دیگر هلن سیکسو.

- 16- Penis-envy castration complex
- 17- Phallogocentrisme
- 18- Phonocentrism
- 19- Dmalite
- 20- Nominalisme صوری



## موسسه فرهنگی هنری سرنا برگزار می کند :

دوره های کوتاه و بلند مدت آزاد هنری و فرهنگی

۱- آموزش موسیقی کلیه سازها ، آهنگسازی ، رهبری ارکستر ، موسیقی کودکان ، سولفژ و ...

۲ - کلاس های آمادگی برای کنکور موسیقی

۳ - کارگاه شعر

۴ - قصه نویسی و کارگاه قصه

۵ - خوشنویسی

۶ - سفالگری

۷ - شاهنامه خوانی

۸ - نمایشنامه نویسی

۹ - نقد و تاریخ هنر

۱۰ - فلسفه هنر

۱۱ - ویرایش

۱۲ - زبان انگلیسی

۱۳ - آشنایی با هنر معاصر

۱۴ - نقاشی

۱۵ - طراحی گرافیک ( آموزش نرم افزارهای (Photoshop - Corel Drow - Free Hand

۱۶ - آشنایی با نرم افزارهای موسیقی

نشر آگرا آمادگی خود را برای چاپ کتاب با آخرین استانداردهای فنی اعلام می دارد .

عزیزانی که تمایل به چاپ کتابشان را دارند می توانند با شماره تلفن های زیر تماس بگیرند

۶۴۰۳۷۵۵ - ۸۹۰۵۴۴۴

## نشر ویستار منتشر می کند

ژئوپولتیک شیعه - فرانسوا تووال / ترجمه کتابیون باصر

سروان تحسین و چیزهای دیگر - نوشته فرهاد پیر بال / ترجمه مریوان حلبچه ای

رگهایم از روی بلوزم می گذرد - رویا تقی

تولکی قارداش ( افسانه ای از آذربایجان ) - عباسقلی صادقی

قصه های ماه مهر - مهرزاد فرخ

از نوعی دیگر - فرخنده حاجی زاده